

نقل قول‌ها در جلسهٔ نخست حافظ‌شناسی، ایران‌شناسی

# شاهان ایران در عصر حافظ

ایرج شهبازی

۲۶ خردادماه ۱۴۰۲

حافظ در ابیات زیر، در مورد پنج شخص مهم که باعث آبادانی شیراز بودند، اشاره کرده است:

به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق	به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد
نخست پادشهی همچو او ولایت بخش	که جان خویش پرورد و داد عیش بداد
دگر مربی اسلام، شیخ مجدالدین	که قاضی به از او آسمان ندارد یاد
دگر بقیه ابدال، شیخ امین الدین	که یمن همت او کارهای بسته گشاد
دگر شهنشه دانش، عضد که در تصنیف	بنای کار موافق به نام شاه نهاد
دگر کریم چو حاجی قوام دریادل	که نام نیک ببرد از جهان به بخشش و داد
نظیر خویش بنگذاشتند و بگذشتند	خدای عزّ و جل جمله را بیامرزاد!

(حافظ، ۱۳۷۰، صص ۳۹۰ - ۳۸۹)



سعدی در ابیات زیر در مورد **عدل و تدبیر و رای سخن** گفته و نظرات خودش را با مخاطبش در میان گذاشته است:

شنیدم که در وقت نزع روان	به هرمز چنین گفت نوشیروان
که خاطر نگهدارِ درویش باش	نه در بند آسایش خویش باش
نیاساید اندر دیار تو کس	چو آسایش خویش جویی و بس
نیاید به نزدیک دانا پسند	شبان خفته و گرگ در گوسفند
برو پاس درویش محتاج دار	که شاه از رعیت بود تاجدار
رعیت چو بیخند و سلطان درخت	درخت ای پسر باشد از بیخ سخت
مکن تا توانی دل خلق ریش	وگر می‌گنی می‌گنی بیخ خویش ...
فراخی در آن مرز و کشور مخواه	که دلتنگ بینی رعیت ز شاه
ز مستکبران دلاور بترس	از آن کاو نترسد ز داور بترس
دگر کشور آباد بیند به خواب	که دارد دل اهل کشور خراب
خرابی و بدنامی آید ز جور	رسد پیش‌بین این سخن را به غور

که مر سلطنت را پنهاند و پشت	رعیت نشاید به بیداد کشت
که مزدور خوشدل کند کار بیش	مراعات دهقان کن از بهر خویش
کز او نیکویی دیده باشی بسی	مروّت نباشد بدی با کسی
در آن دم که چشمش ز دیدن بخفت	شنیدم که خسرو به شیرویه گفت
نظر در صلاح رعیت کنی	بر آن باش تا هرچه نیت کنی
که مردم ز دست نیچند پای	الا تا نیچی سر از عدل و رای
کند نام زشتش به گیتی سمر	گریزد رعیت ز بیدادگر
بکند آن که بنهاد بنیاد بد	بسی برنیاید که بنیاد خود

(کلیات سعدی، چاپ استاد مظاهر مصفا، صص ۲۸۰ - ۲۷۹)



به نظر مولانا، مقام و منصب یکی از بهترین نمایشگاه‌های روح بشری است. در این نمایشگاه، کوچک‌ترین رذائل انسان در ابعادی بزرگ، و گاه در ابعادی جهانی پیش روی مردم یک کشور یا مردم دنیا قرار می‌گیرد و همه آنها را می‌بینند؛ بنابراین شخص ناتوان و نادانی که خواهان حکومت و ریاست است، درواقع خواهان رسوایی خویش است:

از فضیحت کی کند صد ارسلان؟	آن چه منصب می‌کند با جاهلان
مارش از سوراخ بر صحرا شتافت	عیب او مخفی است، چون آلت بیافت
چون که جاهل شاه حکم مر شود	جمله صحرا مار و کژدم پُر شود
طالب رسوایی خویش او شده است	مال و منصب ناکسی که آرد به دست
یا سخا آرد به ناموضع نهاد	یا کند بخل و عطاها کم دهد
این چنین باشد عطا که احمق دهد	شاه را در خانه بیدق نهد
جاه پندارید، در چاهی فتاد	حکم چون در دست گمراهی فتاد
جان زشت او جهان‌سوزی کند	ره نمی‌داند، قلاووزی کند

(مثنوی، د ۱۴۴۸/۴ - ۱۴۴۳)



از نگاه حافظ، برای شاه یک ساعت عدالت از صد سال عبادت بهتر است:

شاه را به بُود از طاعت صدساله و زهد      قدر یک ساعته عمری که در او داد کند



حافظ رای شاه را تجلی گاه نور خدا می داند:

محلّ نورِ تجلی است رای انور شاه      چو قُربِ او طلبی، در صفای نیت کوش  
به جز ثنای جلالش مساز وردِ ضمیر؛      که هست گوش دلش محرمِ پیامِ سروش  
رموزِ مصلحتِ مُلکِ خسروان دانند      گدای گوشه‌نشینی تو، حافظا، مخروش!

## فهرست برخی از منابع در مورد رویکردهای گوناگون در حوزه ادبیات و جامعه‌شناسی

۱) نمونه‌هایی از آثار در زمینهٔ اجتماعیات در ادبیات

- وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، از عباس اقبال آشتیانی.
- نموده‌های فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی از دکتر روح الامینی.
- دیداری با اهل قلم (دربارهٔ بیست کتاب نثر فارسی)، از دکتر غلامحسین یوسفی.
- جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، از دکتر علی اکبر ترابی.
- سیمای جامعه در آثار عطار، از سهیلا صارمی.
- سیمای جامعه در آثار سنایی، از مینا فتوره‌چی.
- سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه، از فاروق خارابی.
- ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، از عبدالرحیم ذاکر حسین.
- هشت مقاله (اجتماعیات در ادبیات)، از احمد رنجبر.
- ده مقاله (اجتماعیات در ادبیات)، از احمد رنجبر.
- جام جهان‌بین، از محمد علی اسلامی ندوشن.
- دنیای خاقانی، از معصومه معدن کن.



۲) نمونه‌هایی از آثار در زمینهٔ جامعه‌شناسی از طریق ادبیات

- جامعه، فرهنگ و ادبیات، از تئودور آدورنو و دیگران.
- درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات (مجموعه مقالات)، از محمد جعفر پوینده.

- کوهلر، چشم اندازی نو در جامعه شناسی ادبیات، از محمد جعفر پوینده.
- جامعه شناسی ادبیات، از لوسین گلدمن.
- جامعه شناسی ادبیات (دفاع از جامعه شناسی رمان)، از لوسین گلدمن.
- نقد تکوینی، از لوسین گلدمن.
- نظریه رمان، از گئورگ لوکاج.
- جامعه شناسی رمان، از گئورگ لوکاج.
- پژوهشی در رئالیسم اروپایی، از گئورگ لوکاج.
- معنای رئالیسم معاصر، از گئورگ لوکاج.
- بررسی همخوانی و ناهمخوانی ساختار شعر نو و ساختار جامعه جدید ایران، از شهرام پرستش.
- شکل شناسی نظام اجتماعی در شاهنامه فردوسی، از بهناز پیامنی.
- جامعه شناسی ادبیات، شعر نو و تکامل اجتماعی، از دکتر علی اکبر ترابی.
- زمینه اجتماعی شعر فارسی، از محمد رضا شفیعی کدکنی (بحث های او درباره شناوری زبان، وعظ و ساختار استبدادی جامعه و وصف های فروغ و بریدن از سنت).
- داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع، از شاهرخ مسکوب.
- مقالات ادبی، زبان شناختی، از علی محمد حق شناس (بحث او درباره حافظ شناسی خودشناسی).
- جامعه شناسی خودکامگی، از علی رضا قلی.



(۳) نمونه هایی از آثار در زمینه زیبایی شناسی جامعه شناسانه

- جامعه و هنر، از روزه باستید.

- زمینه اجتماعی شعر فارسی، از محمد رضا شفیعی کدکنی (بحث های او درباره «صبغة اشرافی صور خیال»، «رنگ سپاهی تصویرهای غنایی»، «صور خیال در شعر ناصر خسرو»).

- قلندریه در تاریخ، از محمد رضا شفیعی کدکنی (بحث او درباره سعدی در سلاسل جوانمردان).

- زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، از علی محمد حق شناس (بحث او درباره «آفاق شعر سعدی و حافظ»، بحثی در سهولت و امتناع شعر).



۴) نمونه‌هایی از آثار در زمینه جامعه‌شناسی ادبیات

- جامعه‌شناسی ادبیات، از اسکارپیت، ترجمه مرتضی کتبی.

- نظریه ادبیات، از رنه ولک و آوستن وارن، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر (فصل نهم).

- جامعه‌شناسی ذوق ادبی، از لوین لودویک شو کینگ، ترجمه فریدون بدره‌ای.

- تاریخ نقد جدید، ۴/۱، از رنه ولک (بخش مربوط به اپولیت تن).

- فرهنگ اصطلاحات ادبی، از سیما داد (مدخل «نظریه دریافت»).